

A Study of the Safavid Government's Supportive Policies towards the Poor

Hadi Bayati* , Abbas Ghadimi Gheidari**

Abstract

The impoverished community is an undeniable part of political and social life in different historical periods, even though there is no place for them in history. The policy and approach of governments towards this community or, if it can be said, the social group is a very important issue that is less discussed. With the formation of the Safavid government and the establishment of a centralized government, policies to support the poor of the society throughout this period were considered with different motives and goals. The Safavid government tried to alleviate the hardships of their miserable lives by helping the poor by building charities, endowments, food, cash donations, and so on. Therefore, this research seeks to answer the question with descriptive-analytical method, what policies did the Safavid government have to support the poor and what goals did it pursue from the implementation of these policies? Accordingly, the results of the research indicate that the Safavid government in various social and economic dimensions, including by providing the needs of the poor, helping their health, providing and providing the scientific and cultural development of the poor by establishing schools, etc. It had an important effect on improving the living conditions of the poor. In addition, the Safavid government in this period, in order to achieve goals such as eradicating poverty and misery, gaining political legitimacy among the masses and showing a benevolent

* Assistant Professor of Islamic Theology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author), H.bayati@umz.ac.ir

** Associate Professor of history, University of Tabriz, Tabriz, Iran, Ghadimi@tabrizu.ac.ir

Date received: 6/2/2022, Date of acceptance: 15/5/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and religious image of itself along with other political and social goals, politics of attention and Followed the arrest of the poor.

Keywords: Poor, Safavid Rule, Endowment, Social History.



بررسی سیاست‌های حمایتی دولت صفوی در قبال تهی‌دستان^۱

هادی بیاتی*

عباس قدیمی قیداری**

چکیده

جماعت تهی‌دستان بخشی انکارناپذیر از حیات سیاسی و اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی را شامل می‌شوند هر چند در تاریخ جایی برای آنان در نظر گرفته نشده باشد. سیاست و رویکرد دولتها درباره این جماعت و یا اگر بتوان گفت گروه اجتماعی، کمتر به آن پرداخته شده است. با شکل‌گیری حکومت صفوی و ایجاد حکومت متمرکز سیاست‌های حمایتی از تهی‌دستان جامعه در سراسر این دوره با انگیزه و اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفت. حکومت صفوی با کمک به تهی‌دستان از طریق ایجاد بناهای خیریه، وقف، اطعام، کمک‌های نقدی و ... سعی کرد تا حدودی از سختی زندگی محنت‌بار آنان بکاهد. در همین جهت این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که حکومت صفوی برای حمایت از تهی‌دستان چه سیاست‌هایی داشته و چه اهدافی را از اجرای این سیاست‌ها دنبال می‌کرد؟ بر این اساس، نتایج پژوهش حاکی از آن است دولت صفوی در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی از جمله با تأمین نیازهای تهی‌دستان جامعه، کمک به بهداشت آنان، تهیه و تأمین بسترهای رشد علمی و فرهنگی تهی‌دستان با تأسیس مدارس و غیره، تأثیر مهمی در بهبود وضعیت زندگی تهی‌دستان داشت. علاوه بر این، دولت صفوی در این دوره، در جهت اهدافی چون، زدودن فقر و تهیدستی، کسب مشروعیت سیاسی در میان توده‌ها و نشان دادن چهره‌ای خیرخواه و

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)، H.bayati@umz.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، Ghadimi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مذهبی از خود در کنار سایر اهداف سیاسی و اجتماعی، سیاست توجه و دستگیری از تهی‌دستان را دنبال می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: تهی‌دستان، حکومت صفوی، وقف، تاریخ اجتماعی.

۱. مقدمه

تهی‌دستان به عنوان یک جماعت یا جمعیتی از یک جامعه مولود مناسبات و روابط اجتماعی و اقتصادی حاکم هستند و در مقابل دولتمندان و ثروتمندان قرار می‌گیرند و معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. تهی‌دستان یک مفهوم جامعه‌شناختی و در نگاه تاریخی یک مفهومی است مربوط به جامعه‌شناسی تاریخی. در ایران نمی‌توان از این جمعیت که گاه بخشی جامعه ایران را شکل می‌دادند به عنوان طبقه در مفهوم جامعه‌شناسی آن نام برد. اما نمی‌توان منکر این شد که این جمعیت و این گروه وجود نداشته است. وقتی به تاریخ تهی‌دستان نظر می‌اندازیم، چنین به نظر می‌آید که این گروه اجتماعی از آغاز تا امروز در همه جوامع وجود داشته است؛ در جامعه ایران نیز فقر و تهیدستی یکی از تصویرهای همیشگی بوده است. تصویری که در هنگامه‌های تاریخی ایران گاه با خزیدن مردم به جان‌پناه‌هایی چون خانقاه و مسجد گره خورده است.

ریشه‌های فقر و تهیدستی در جامعه ایران بسیار است. آنچه روشن است اینکه ایران در این دوره از پس تاخت‌وتازهای تیموریان و ناپایداری‌های بعد از برچیده شدن حکومت‌های محلی برای استقرار قدرت توسط صفویان، ایرانی آشفته و با شرایط دشوار در این دوران بر جای گذاشت. از سوی دیگر مسأله رویکرد دولتها و حکومتها به تهی‌دستان و زدودن فقر از چهره جامعه و تعامل و رابطه با این گروه به وسیله نهادهایی که جزو طبقات قدرتمند جامعه محسوب می‌شدند از موضوعاتی است که بخشی از تاریخ اجتماعی ایران را دربر می‌گیرد. در طول این دوران نهادها و گروه‌هایی که در رأس هرم اجتماعی قدرت قرار داشتند، نسبت به تهی‌دستان جامعه ایران سیاست‌هایی داشتند که البته این سیاست‌ها بیشتر حول محور کمک و دستگیری از تهی‌دستان می‌چرخید. این نهادهای قدرت با کمک به تهی‌دستان از طریق ایجاد بناهای خیریه، وقف، اطعام، کمک‌های نقدی و ... سعی می‌کردند تا حدودی از سختی زندگی محنت‌بار آنان بکاهند.

بررسی تاریخ اجتماعی علی‌الخصوص این موضوع در دوره صفویان، یکی از مواردی است که کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است. علت این مهجوری از یک طرف، برخی دشواری‌های موجود در مسیر انجام چنین بررسی‌ها، و از دیگر سو، جاذبه‌ی دیگر عرصه‌ها می‌باشد. از این‌رو این پژوهش بر آن است که با مطالعه‌ی اسناد و منابع تاریخی مرتبط با موضوع، مدخلی برای مطالعه در حیات اجتماعی ایران در این زمینه باز گشاید که با وجودی که طبقات تهی‌دست جامعه ایران علی‌الظاهر نقش چندانی در روند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بازی نمی‌کردند و در بسیاری از منابع از آن‌ها به‌عنوان گروه‌های فاقد طبقه یاد شده است، چه عواملی سبب شده که این طبقات در بسیاری موارد مورد توجه نهادهای قدرت قرار بگیرند؟ بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی انگیزه‌ها و چگونگی سیاست‌های حمایتی حکومت صفوی نسبت به تهی‌دستان می‌باشد.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی است. در خصوص پیشینه تحقیق نیز باید اذعان نمود که هر چند پژوهش‌های چندی در باب تهی‌دستان و فرودستان در دوره‌های مختلف، نظیر «واکاوی جایگاه وقف در زندگی تهی‌دستان عصر ایلخانی (با تأکید بر اقدامات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی) از وحید ذنوریان و همکاران (۱۳۹۷)، «حمایت از فرودستان در ایران روزگار ایلخانی؛ نمونه ربع رشیدی تبریز» از شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۷)، «واکاوی رفتار سیاسی فرودستان در عصر قاجاریه با تکیه بر ضرب‌المثل‌های فارسی» از مهدی میرکیایی (۱۳۹۸)، «نقش تهی‌دستان شهری در انقلاب مشروطیت (مطالعه موردی تهران و تبریز ۱۳۲۴-۱۳۳۰)» از نادر رزاقی صورت گرفته که در آنها به وضعیت تهی‌دستان و جایگاه آنان در امور سیاسی و اقدامات خاندان‌های حکومتگر در رفع تهی‌دستی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها نه تنها به چگونگی تعامل دولت صفوی با تهی‌دستان پرداخته نشده است، بلکه هیچ پژوهش مستقلی در مورد وضعیت تهی‌دستان در دوره صفوی و سیاست‌های دولت در قبال تهی‌دستان وجود ندارد. بنابراین بررسی پژوهشی مستقل که سیاست‌های حمایتی حکومت صفوی در قبال تهی‌دستان عصر صفوی را آشکار نماید، ضروری می‌نماید.

چارچوب نظری پژوهش چنین در نظر گرفته شده است: اولین و رایج‌ترین تعریف فقر و تهی‌دستی، تعریف اقتصادی یا مادی آن است که در آن تحلیل‌های موضوع مبتنی بر

رویکرد پولی است. (Spicker, 1999: 23) در این تعریف، تهیدستی عبارت از کمبود مصرف کافی و نبود وسایل آسایش زندگی است. از این دیدگاه مردم تهی دست هستند، زیرا چیزهای مورد نیاز را ندارند یا به دلیل کمبود منابع برای به دست آوردن نیازشان فقیر و تهی دست هستند. (Laderchi et al, 2003:2-3). رابرت چمبرز (Robert Chambers) و همکارانش در مطالعات خود ابعاد چندگانه‌ای برای تهی دستی در نظر گرفته‌اند. ایشان تهی دستی را در حکم تله‌ای می‌داند که وقتی افراد گرفتار آن می‌شوند به سختی می‌توانند از کمند آن نجات پیدا کنند. این ابعاد، که در شبکه پیچیده‌ای محبوس هستند، عبارتند از: فقر مادی و کمبود دارایی، فقر مکانی، ناخوشی، رنجوری و ناتوانی، نابرابری روابط جنسیتی، فقر اجتماعی، ناامنی، نگرانی و آسیب پذیری، بی‌توجهی دیگران قدرتمند، نهادهای محروم و فاقد قدرت، ضعف و منفصل بودن سازمان‌ها، بی‌قدرتی. (چمبرز، ۱۳۷۷: ۱۴۰) آمارتیا سن (Amartya Sen) نیز با استفاده از رویکردهای قابلیت‌های برتری به بررسی تهی دستی پرداخته است. ایشان تهی دستی را «محرومیت از قابلیت‌های اساسی» و نه صرفاً پایین بودن درآمد یا فقدان کالا در نظر گرفت و بر نسبی بودن فقر در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تأکید می‌کند. (Sen, 1982:87-88)

بورچاردت (Burchardt) تهی دستی را بر اساس «محرومیت اجتماعی» تعریف می‌کند و معتقد است فردی از لحاظ اجتماعی محروم است که الف) از لحاظ جغرافیایی ساکن یک جامعه است، ب) در فعالیت‌های عادی شهروندی جامعه نمی‌تواند شرکت کند، ج) خواهان شرکت در این فعالیت‌ها است اما عواملی که از اختیار او خارج است مانع می‌شود. (Burchardt et al, 1999: 229) بنابراین از این دیدگاه، محرومیت اجتماعی از مسائل درهم تنیده بیکاری و مهارت کم و درآمد پایین و مسکن نامناسب و جرایم بالا و بنیه ضعیف و خاستگاه خانواده ضعیف به وجود می‌آید. (همانجا)

کارل مارکس (Karl Marx) و فردریش انگلس (Friedrich Engels) در دومین کتاب مشترک خود بنام «ایدئولوژی آلمانی» (The German Ideology) (۱۸۴۵م)، برای نخستین بار اصطلاح «لومپن پرولتاریا» (Lumpen Proletariat) را برای تهی دستان بکار بردند. آنان در این اثر و آثار بعدی خود لومپن پرولتاریا را «خرده طبقه‌ای» از جامعه دانستند که برخلاف بورژوازی و پرولتاریا در تولید نقشی ندارد و در حاشیه اجتماع از راه‌های مشکوک مانند گدایی و واسطه‌گری امرار معاش می‌کند. (رزماری، ۱۳۹۶: ۲۷۴)

این گروه از دیدگاه مارکس اشاره به طبقه‌ای دارد که نه مهارت‌های شغلی کارگران را داشت و نه می‌توانست جایگاهی در نظام طبقاتی اجتماعی برای خود دست و پا کند و به همین دلیل، برای تداوم زیست، به بهره‌گیری از ثمرات زندگی طبقات دیگر وابسته بود. به بیانی دیگر، «لومپن پرولتاریا» برای آنکه همچنان زنده بماند، باید در «حاشیه» طبقات دیگر زندگی کند. (علی بابایی، آقایی، ۱۳۶۶) مارکس معتقد بود جامعه از لایه‌ها و طبقات مختلف تشکیل می‌شود، اما در اینجا اصلی‌ترین ویژگی لومپن‌ها این است که در حقیقت هیچ طبقه‌ای ندارند. لومپن‌ها فاقد ریشه طبقاتی مشخصی هستند و در حقیقت بی‌ریشه هستند. این جزو اولین ویژگی‌هایی است که مارکس به این افراد اطلاق می‌کند. حال به دلیل اینکه بی‌ریشه هستند، بنابراین به صورت سیال عمل می‌کنند و به دنبال جریان‌های سیاسی مختلف و رهبران سیاسی از هر جناحی که باشند حرکت می‌کنند، چرا که مهم برای آنها منافع مادی است، پس به همین علت رهبران و جریان‌های سیاسی می‌توانند به راحتی آنها را به دنبال خودشان بکشند. لومپن‌ها در اکثر مواقع از سوی جریان‌ات راست مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. مارکس اصطلاح پرولتاریا لومپن را برای این دسته از افراد به کار می‌برد، چون معتقد است از نظر اقتصادی این افراد با زحمت‌کشان تفاوت زیادی ندارند و فقط پرولتاریا را از لومپن‌ها مشخص‌تر می‌داند. (ر.ک: دلاوری، ۱۳۷۸)

بنابراین می‌توان گفت، این گروه از تهی‌دستان، آنهایی هستند که نه به طبقات فوقانی اجتماعی تعلق دارند (فردستان)، نه به طبقات متوسط و نه به طبقات فرودست^۲ (Subaltern). بنابراین تهی‌دستان کسانی هستند که «بود و نبودشان» عاری از هر نفوذی در ساختار قدرت و تعیین سرنوشتشان بوده است. فرودست لزوماً تهی‌دست نیست، اما تهی‌دست حتماً فرودست است. فرودست گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود که به حاشیه رانده شده‌اند و در حقیقت زمینه را برای برخورداری و اعمال قدرت ندارند. آن‌ها می‌توانند تهی‌دست باشند، می‌توانند هم نباشند. (Young, 1990: 25) بر این اساس، شاید نزدیک‌ترین لفظ برای تعریف تهی‌دستان مورد توجه پژوهش حاضر، گروه‌هایی باشند که در فقر دائمی به سر می‌برند و به دلایلی قادر نبودند در فرایند غالب تولید و توزیع و مبادله، زندگی خود را تأمین نمایند.

۲. پیشینه حمایت از تهی‌دستان توسط خاندان صفویان

کمک به تهی‌دستان و فقرا در توسط خاندان صفویه سابقه دیرینه داشت. اسکندر بیگ ترکمان در مورد قطب‌الدین محمد حافظ از اجداد خاندان صفوی می‌نویسد: «چون ایام حیاتش سپری گشت سجاده نشینی اجداد و اطعام فقرا و مساکین عن سبیل الرشاد بفرزند ارجمندش صلاح‌الدین الرشید رسید». (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۱) شیخ صفی‌الدین اردبیلی به نقل کتاب «صفوه الصفا» ابن بزاز یکی مهم‌ترین شخصیت‌های خاندان صفوی است که نقش مهمی در کمک به فقرا و تهی‌دستان داشت. وی از جمله مشایخی است که «داشتن مال و ثروت را برای پیران و اقطاب عیب نمی‌داند به شرط اینکه این ثروت و مکنت نیاز مستمندان را برآورد و به‌کار خیر آید و باعث آبادی و آسایش خاطر بینوایان و تسکین دردها شود». (ابن بزاز، ۱۳۷۷: ۹۳۶) آخرین وصیت شیخ نیز به فرزندان خود «محافظة سفره فقرا و خدمت ضعفا» بود و تأکید داشت که در نان دادن میان دوست و دشمن و مؤمن و کافر فرق نگذارید. (همان، ۹۳۷) رفتار شیخ نسبت به فقرا و ضعفا و توده مردم و درویشان از نوع دیگری بود، چنانکه از سر تواضع و فروتنی «به تشیع جنایز فقرا و عیادت مرضی به رغبت تمام رفتی، و نیستی و فروتنی تا حدی داشتی که هرگز من نگفتی». (همان، ۹۰۸-۹۰۹) سیرت دیگر شیخ جوانمردی و گشاده‌رویی و دست و دل‌بازی او بود. صفی‌الدین عقیده داشت «اثر گشایش اندرون و علامتش که پیدا شود دو چیز است: حسن خلق و حسن سخاوت، و هر دو تصرف الهی است در بنده». (همان، ۹۲۹) شیخ خود به نحو کامل از این دو صفت برخوردار بود و آنچه داشت «به طیب نفس و بشاشت وجه»، بی‌دریغ و منت، صرف نیازمندان و مستمندان می‌کرد. صفی‌هرگز «از برای فردا تشویش نکردی و هر چه داشتی ایثار کردی و هر چه از مال و مکنت حاصل شدی بر فقرا و صادر و وارد صرف کردی». (همانجا) بنابراین در جای جای کتاب صفوه الصفا ابن بزاز به سخاوت و بخشندگی و دستگیری از فقرا و بینوانان توسط شیخ صفی‌الدین اردبیلی اشاره شده است. (ر.ک: همان، ۹۲۹-۹۳۱، ۹۳۴) حتی یکی از سفرنامه‌نویسان دوره صفوی به نام پیتر دلاواله بعد از گذشت سالهای زیاد از دوره ایلخانان به یکی از مهم‌ترین ویژگی خانقاه اردبیل که یادگار بانی آن شیخ صفی‌الدین اردبیلی است، اشاره می‌کند که هنوز هم هر روز به فقرا و تهی‌دستان در آنجا غذا داده می‌شود و می‌آورد:

هر روز تعداد بی‌شماری از بینوایان و محتاجان در آنجا اطعام می‌شوند. غذا همیشه عبارت است از پلو که بسیار خوب و خوشمزه پخته شده و تعداد فقرا و به طور کلی کسانی که برای تیمن و تبرک از این پلو می‌خواهند بخورند و شخصاً مراجعه می‌کنند یا کسی را برای بردن آن می‌فرستند، به اندازه‌ای زیاد است که صبح تا شام به طور مداوم دیگ‌های پلو بر روی سی و پنج اجاق بزرگ در آنجا به بار است. قبلاً فقط ظهرها اطعام می‌شد، ولی شاه عباس مخارج اطعام شبانه را نیز تأمین کرد و اکنون شام و نهار در آنجا دایر است. (دلواله، ۱۳۷۰: ۳۷۰)

علاوه بر این، خواندمیر طی گزارشی از یک اطعام عام در زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی با شگفت‌زدگی می‌گوید: «اگر یک تایی نان به فقیری قرار بود داده شود»، به قول مورخ «هر روز پنج هزار گروه مهیا می‌بایست کرد تا بدیشان رسد». (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴۱۷) این اقدامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی در یاری رساندن به تهی‌دستان به مرور ایام توانست در سطح مردمی مرجعیت پدر مآبانه به دست آورد، حتی مخالف سرسخت خاندان صفوی، فضل‌الله روزبهان خنجی (۸۵۰-۹۲۷ ه.ق)، با احترام ضمنی به مقام اجتماعی شیخ صفی‌الدین او را «وحید آفاق» معرفی می‌کند. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱/۱۳۰) بنابراین شیخ صفی‌الدین با توجه به این که این روش در آینده برای خاندان او مؤثر واقع خواهد شد، این سنت خانوادگی، یعنی اطعام تهی‌دستان را در وصیت‌نامه‌ای به جانشین خود صدرالدین موسی (۷۹۴-۷۳۵ ه.ق) و مریدانش همچنان محفوظ نگاه داشت. (قصص الخاقانی، ۱۳۷۱: ۲۹) رابطه با تهی‌دستان و دستگیری از آنان در زمان صدرالدین موسی و خواجه علی (۸۳۰-۷۹۴ ه.ق) نیز ادامه پیدا کرد و با کسب مقام شیخیت خاندان توسط شیخ ابراهیم (۸۵۱-۸۳۰ ه.ق) تشدید یافته و به جریان وسیع‌تری افتاد. در این رابطه اسکندر بیگ می‌نویسد:

از فواضل انعام و اکرامش فقراء و محتاجان بل عموم ساکنان آن دیار [اردبیل] بهره‌ور می‌گشتند، مطبخ معموره‌اش مملو از ظروف و اوانی سیم و زر و در بخشش و احسان از آباء و اجداد برتر، اطوار حمیده‌اش شاهانه و شمایل پسندیده‌اش پادشاهانه بود. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱/۱۳)

بنابراین کار اطعام و خرج دادن به تهی‌دستان به دوره پادشاهی صفویه نیز منتقل شد، به طوری که اطعام تهی‌دستان به یکی از تکالیف عمده بزرگان اردبیل تبدیل شده بود و مردم

به محض شنیدن صدای طبل مخصوص، به صرف غذا و احسان در اطراف بقعه جمع می‌شدند و حتی با پیشرفت این کار نوعی مشاغل اداری در اطراف این موضوع ترتیب یافته بود. (ر.ک: دلاواله، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۷۰-۳۷۱؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۸ / ۷۶؛ الثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۳۱) بر این اساس می‌توان گفت حمایت از تهی‌دستان با هر هدف و نیتی در خاندان صفویه سابقه دیرینه‌ای داشته و این سنت همچنان بعد از تشکیل دولت صفوی ادامه پیدا کرد که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

۳. بررسی سیاست‌های حمایتی دولت صفوی از تهی‌دستان

سیاست‌های حمایتی دولت صفوی نسبت به تهی‌دستان همواره با روش‌های مختلفی دنبال می‌شد، که در ادامه به بررسی چگونگی انجام این سیاست‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.۳ سیاست‌های دائمی

۱.۱.۳ اعطای نذورات و صدقات

توجه و حمایت از تهی‌دستان در دوره صفوی معمولاً به مناسبات گوناگون از جمله تولد یا فوت شاهان، شاهزادگان و بزرگان درباری همراه با اعطای نذورات و صدقات انجام می‌شد. چنانچه یکی از رسوم که در دوره حکومت صفوی مرسوم بود، برگزاری مراسم ولادت شاهان و شاهزادگان صفوی بود. در این جشن‌ها معمولاً درباریان و روحانیون و بزرگان بازار حضور داشتند. در زمانی که روز تولد پادشاه یا شاهزاده بود، درباریان در یک فضای باز حضور پیدا می‌کردند و شاه نیز بر تخت پادشاهی نشسته و خزانه‌دار قدری نقره و طلا، لباس و مقداری غذا، تعدادی شتر، گاو و گوسفند حاضر کرده، بعد از آنکه حیوانات را سه بار دور شاه چرخانیده به تهی‌دستان نثار می‌نمودند. بعد از آن امرا و ارکان دولت نیز هر کس به اندازه جایگاه و منصب خود «از مال خود نقود و اجناس آورده، نثار فقرا» می‌کردند. (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۸: ۷۷) به طوری که شاه اسماعیل اول هنگام تولد شاه طهماسب نذورات و صدقات فراوانی به تهی‌دستان بخشید:

و آن مولود عاقبت محمود مکنی به ابوالفتح و مسمی به طهماسب میرزا شد... امرای نامدار و وزرای عالی مقدار و صدور ذوی الاقتدار و سایر ملازمان درگاه عرش اشتباه

نقود آبیض و احمر و عقود لالی و گوهر نثار مهد همایون آن شاهزاده عالی نهاده گردانیده، پرده نشیان تنق عزت و خدام سده سدره منزلت صدقات و نذور و عطیات به ارباب استحقاق رسانیده محامد شکر واهب المواهب بجای آوردند. (جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۶۹)

یکی دیگر از مناسبات‌هایی که همواره به تهی‌دستان کمک‌های نقدی و غیر نقدی انجام می‌شد، در زمان فوت پادشاهان صفوی و بزرگان درباری بود. در چنین مناسبت‌هایی معمولاً تهی‌دستان از نذورات و صدقات نهاد قدرت بی‌بهره نمی‌ماندند. یکی از شخصیت‌های بزرگ درباری دوره شاه اسماعیل اول، امیر نجم الدین زرگر (وفات ۹۱۵ ه.ق) بود. بعد از فوت وی در شهر تبریز، شاه اسماعیل دستور داد بعد از انجام ختم قرآن به اطعام فقرا پردازند. (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/۵۰۱) در زمان شاه طهماسب نیز بعد از قتل میرزا علی خان یکی از امرای تکلو به فرمان شاه طهماسب، امرای تکلو و طرفداران او تصمیم به قتل مادر شاه طهماسب نمودند و او را به قتل رساندند. (مرعشی، ۱۳۶۴: ۲۶۹) شاه بعد از این اقدام آنها، دست به کشتار تکلوها زد. (همان، ۲۷۰) چون والده شاه با والی مازندران میرزا علی خان خویشاوند بود: «یک هفته با لباس سیاه ماتم گرفته، تصدقات و خیرات بسیار به مستحقین رسانیده، هر یوم یک هزار دینار از طعام و حلوا به حفاظ و عجزه و مساکین خیر می‌کردند». (همان، ۲۷۰) در سال ۹۸۴ ه.ق، بعد از فوت شاه طهماسب، مراسم ختم و تلاوت قرآن برای وی در آستانه مقدسه امامزاده حسین برگزار شد، اسکندر بیگ در این زمینه آورده است: «دوازده هزار قاب طعام و حلوا کشیده، فقراء و مساکین بل کافه مومنین از سپاهی و رعیت از آن بهره‌ور گشتند». (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱/۲۰۸؛ هینتس، ۱۳۷۱: ۱۰۵) یا در سال ۱۰۵۱ ه.ق بعد از فوت مهد علیا زینب بیگم دختر شاه طهماسب در زمان حکومت شاه صفی بعد از برگزاری مراسم ختم تشییع جنازه وی به دستور شاه به فقرا و مستحقان کمک‌های مالی نمودند. (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۱) جالب‌ترین توصیف و کمک به تهی‌دستان را اسکندر بیگ منشی از مراسم خاکسپاری شاه عباس اول ارائه می‌دهد. وی در توصیفی جالب از مراسم ترحیم و تدفین شاه عباس اول و کمک به تهی‌دستان و اطعام آنان آورده است: «... بر سر مرقد مطهر بخور کرده از اول شام تا بام شمعدانها فروخته دارند و جهت طعام حفاظ و خدمه مزار کثیرالانوار و فقراء و مساکین اقسام حلاوه و اطعمه الوان و مایحتاج سرانجام داده». (ترکمان، ۱۳۷۷: ۳/۱۰۸۰) علاوه بر این در مراسم‌های دیگری که برای یادبود شاه عباس اول در اردبیل گرفته می‌شد به تهی‌دستان

مجاور خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی به رسم همیشگی شاهان صفوی به فقرا و تهی‌دستان صدقه و اطعام می‌نمودند. (همان، ۱/ ۳۵۳-۳۵۴) مؤلف تحفه العالم در مورد مراسم دفن و سوگواری شاه سلیمان صفوی آورده است که در آن مجالس امرا و ارکان دولت و عظاما و اعیان همه حضور داشتند و لوازم خدمات مهمان‌ها به جای می‌آوردند و «جمعی از ملازمان، صُرّهای زر و سیم مسکوک به نظارت جمعی از مؤتمنان در کوچه‌ها و اسواق و محلات و مدارس و معابر گردانیده، بر اهل فقر و استحقاق نثار می‌کردند». (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۸: ۷۲) بنابراین می‌توان گفت کمک به تهی‌دستان بعد از تولد و فوت شاهان و بزرگان درباری صفوی همواره به عنوان یکی از سنت‌های مهم حکومت صفوی پذیرفته شده بود و در عناوین و قالب‌های مختلف به اجرا در می‌آمد.

۲.۱.۳ ساخت دارالشفاء

از جمله اقداماتی که در این دوره با هدف عام‌المنفعه در جهت رفع مشکلات بهداشتی و درمانی تهی‌دستان انجام شد، ایجاد «دارالشفاء» بود. چرا که یکی از مصارف موقوفات و کمک‌های حکومت و خیرین در راستای زدودن فقر و کمک به تهی‌دستان جامعه در این دوره ساخت دارالشفاء بود. طی این دوره موقوفات درمانی چندانی ظهور نیافته است؛ اما همان تعداد اندک، پیشگام این حوزه از فعالیت‌های عام‌المنفعه و وقف با محورهای درمانی در دوره بعد شده است. (اکرمی، ۱۳۸۹: ۷۱) به طوری که با بررسی موقوفات این دوره به کیفیت مداوای مریضان تهیدست و نحوه تهیه دارو و پرستاران و مخارج روزانه دارالشفاء و غیره مشخص می‌شود. (ساکماق، س.ش ۳۳۵۲۲، ۴۷-۶۰) در بند سوم کتاب «دستور الملوک» میرزا رفیعا در بیان وظایف متولی روضه رضویه به وجود دارالشفاء اشاره شده و آمده است: «نظم و نسق سرکار فیض آثار از کتابخانه و شربت‌خانه و دارالشفاء و مطبخ و عطارخانه و... با عالی‌جاه متولی آستان مقدسه است». (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۶۶-۶۷) سیریل الگود، نویسنده کتاب «طب در دوره صفویه»، با تحلیلی از اوضاع پزشکی و بیمارستانهای مختلف در شهرها در عصر صفوی، به این نتیجه رسیده که مراکز درمانی وابسته به مساجد و اماکن مقدس، در مقایسه با دیگر بیمارستان‌ها، مجهزتر و فعال‌تر بوده است. (الگود، ۱۳۵۷: ۳۵) اسناد ارزشمند دوره صفوی مربوط به مجموعه دارالشفاء- که در آرشیو مدیریت اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود- این امر را تأیید می‌نماید. اسناد مذکور، نشان دهنده آن است که به واسطه بارگاه امام رضا(ع)، مرکز درمانی‌ای در جوار حرم آن بزرگوار در

دوره صفوی ایجاد شده است. از این رو، واقفان با نیت خیر، جهت رفاه حال بیماران تهی‌دست امکاناتی فراهم می‌ساختند؛ به طوری که در سال ۹۳۱ ه.ق «عتیق علی بن احمد ملک اسماعیل طوسی الاصل اردوبادی»، املاکی وقف آستانه کرد^۳ و بخشی از درآمد آن را برای بیماران تهی‌دست اختصاص داد. (بسطامی، ۱۳۱۵: ۴۱۷) علاوه بر این، بر پایه اسناد آستان قدس رضوی، الله وردی خان میرشکار نیز در سال ۱۰۶۵ ه.ق درآمد حاصل از یک آسیاب آبی را وقف دارالشفاء آستان قدس نموده است. (ر.ک: مولوی، ۱۳۵۳: ۱/ ۵۷-۵۹) همچنین در وقف‌نامه‌ای که از شاه عباس اول موجود است، او با ایجاد سه موقوفه، شکوهمندی و توسعه حرم را به همراه جذب زائران به وسیله تأمین نیاز آنها و تهی‌دستان مدنظر قرار داده بود. او امکانات رفاهی ایجاد کرد و آب حرم را تأمین کرد و برای دارالشفاء آستان قدس وقف‌هایی کرد. (طلایی، ۱۳۹۷: ۱۳۶) بنابراین درمان بیماران تهی‌دست نکته مهمی است که در کانون توجه کمک‌های عتیق علی قرار گرفته است. بدیهی است که زائران تهی‌دست حضرت نیازهای درمانی هم داشته باشند؛ پس عتیقی با وقف بخشی از درآمد موقوفه خود برای درمان بیماران تهی‌دست، به این نیاز مهم آنان نیز توجه کرده است. به این ترتیب زائر تهی‌دستی که رنج سفر را پذیرا می‌شد، در صورت نیاز در این مکان پذیرایی می‌شد و بیماری جسمی او نیز درمان می‌شد.

علاوه بر افراد نیکوکار، پادشاهان صفوی نیز برای تقویت و گسترش دارالشفاء آستان قدس امام رضا(ع)، عنایت خاصی نشان می‌دادند. چنانکه بنا بر نوشته کتاب «عالم آرای عباسی»، شاه طهماسب اول، جهت رتق و فتق امور آستان قدس، افراد برجسته و شایسته را به کار می‌گمارد. وی «حکیم عمادالدین محمود»، از پزشکان نام‌آور آن زمان را به امر طبابت بیماران دارالشفاء آستان قدس منصوب نمود. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۶۸) در زمان شاه عباس اول نیز محلی به نام دارالشفاء در جوار بازار اصفهان وجود داشت که یک نوع بیمارستان بدون وسایل و لوازم بوده است. شاه عباس این دارالشفاء و کاروانسرای مسکran را با هم بنا نمود که عایدات کاروانسرا صرف هزینه دارالشفاء شود و در این مکان، تجویزات طبیب و مخارج دارو و غذای بیماران از عواید اوقاف بوده است. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۴۶-۴۹) یکی دیگر از مکان‌های مذهبی که مورد توجه دولت صفوی و واقفان برای انجام امور خیریه قرار داشت، حرم حضرت معصومه(س) در شهر قم بود. در دوره صفوی در این شهر نیز یک دارالشفاء بنا شد. ساختمان اولیه این دارالشفاء در سال ۱۰۵۵ ه.ق در کنار یک آب‌انبار برای تهی‌دستانی که از محل خیرات آستانه اطعام می‌شدند، احداث شد. (ناصر الشریعه، ۱۳۸۳:

۲۴۳-۲۴۵) بنابراین می‌توان گفت توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال بیماران تهی‌دست و زوار در کنار اماکن مذهبی جایگاه ویژه‌ای داشته که گاهی با عنوان «شفاخانه» و زمانی «دارالشفاء» نامیده شده است و بانیان آن اشخاص نیکوکار و حکامی بودند که به سبب رسیدن به اهداف و نیات خود، درصدد بودند در حد و وسع خود کمک‌هایی را برای رفاه احوال مریضان و درماندگان تهی‌دست در این امکان متبرکه فراهم آورند.

۳.۱.۳ ساخت مدرسه برای ایتم تهی‌دست

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در دوره صفوی در راستای آموزش و حمایت از تهی‌دستان انجام شد، ایجاد مدارس برای تعلیم و تربیت رایگان ایتم تهی‌دست بود. چنانچه در طول تاریخ، ساخت مدارس و تأمین هزینه اداره آنها از مسائل بسیار مهم در کانون توجه خیرین بوده است. چنانچه بررسی تاریخی‌چقه وقف در دوره صفوی نشان می‌دهد که در طول این دوره، واقفان متعدد املاکی را بر مدارس وقف می‌کردند؛ به گونه‌ای که این مدارس نقش مهمی در ترویج فرهنگ و علوم تشیع داشتند که به کمک درآمد موقوفات اداره می‌شدند. (اداک، اسدی، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۸) سیاحانی که در دوره صفویه مدتی در ایران اقامت داشتند، از تعداد بسیار مدرسه‌ها سخن گفته‌اند. شاردن سیاح فرانسوی که در زمان صفویه سال‌ها در اصفهان اقامت داشته در سفرنامه خود در خصوص تعداد مدارس صفویه چنین نوشته است: «مدارس در ایران فراوان است... در هر شهری تعداد کثیری مدرسه موجود می‌باشد و حتی می‌توان گفت در هر ناحیه‌ای از شهر نیز مدارس بسیاری وجود دارد». (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷/۵) مدارس در برنامه‌های آموزشی خود، با توجه به موقوفاتی که داشتند، از نظر مالی مستقل اداره می‌شدند و هر مدرسه با توجه به استقلال مالی خویش می‌توانست برنامه آموزشی خود را در چارچوب مذهب شیعه داشته باشند. (الثاریوس، ۱۳۸۵: ۳۰۵) در دوره صفوی یکی از این مدارس، مدرسه کودکان بی‌سرپرست و ایتم بود که به دستور شاه طهماسب اول در صحن عتیق آستان قدس رضوی ایجاد شده بود. در وقف‌نامه این مدرسه نگهداری و لباس و خوراک و تعلیم و تربیت چهل نفر ایتم سادات مطرح شده بود که تولید آن نیز با شاه و متولی آستان قدس بود. (کتابخانه ملک، ن.خ ۱۱۳۷: ۲۰-۲۵؛ مولوی، ۱۳۵۳: ۲/۱۲۳) همچنین در دوره شاه سلطان حسین نیز ناظر بیوتان خاصه شریفه، محمود بیگ نیز مواردی را وقف مدارس ایتم نمود. (جهان‌پور، ۱۳۸۷: ۳۷، ۴۱، ۴۵) اما آنچه که بیشتر در موقوفات مدارس این دوره مطرح حمایت از آموزش و

ترویج مذهب شیعه برای طلاب علوم دینی بود که از اواخر دوره شاه طهماسب اول شروع شد و تا پایان عصر صفوی ادامه پیدا کرد. (ر.ک: مولوی، ۱۳۵۳: ۱/ ۲۶)

۲.۳ سیاست‌های غیردائمی

۱.۲.۳ اطعام و کمک به تهی‌دستان در اماکن مذهبی

یکی از مکان‌هایی که تعامل حکومت صفوی با تهی‌دستان نمود بیشتری داشت، اماکن مذهبی بود. در دوره صفوی زمانی که شاهان در سفرهای نظامی و مذهبی در شهرهای مذهبی حضور پیدا می‌کردند، بعد از زیارت اماکن مقدسه به دلایل مختلف به تهی‌دستان آن شهر در غالب صدقات و اطعام کمک می‌کردند و این قاعده در طول دوره حکومت صفویان همواره بین شاهان و بزرگان درباری مرسوم بود. از جمله این شهرها که مورد توجه شاهان صفوی قرار داشت، می‌توان به عتبات عالیات، مشهد، قم و اردبیل اشاره کرد. منابع این دوره به نمونه‌های مختلفی از حضور شاهان صفوی در این شهرها و کمک‌ها و صدقات آنان به تهی‌دستان اشاره نموده‌اند. به طوری که شاه صفی در بیست و پنجم صفر سال ۱۰۵۱ ه.ق بعد از سفر به قم و زیارت بارگاه حضرت معصومه و قبر پدر خود دو روز در این شهر ماند و «به اطعام و ادرارات و انعام دست گشاده مسحین را از بذل بیکران شادمان ساخت». (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۷) یا زمانی که شاه صفی در مرقد شاه عباس اول در کاشان حضور داشت، «جهت ترویج روح آنحضرت تخت‌مات کلام حضرت ملک‌علام و اطعام فقرا و مساکین و خیرات و تصدقات اقدام فرمودند...». (ترکمان، ۱۳۱۷: ۳۱) همچنین هنگامی که شاه صفی در سال ۱۰۴۱ ه.ق بعد از دفع حملات لشکر عثمانی به بغداد، عازم زیارت عتبات عالیات شد و بعد از زیارت کربلای معلی

ارباب فقر و حاجات را بصلاحت و نوازشات و تصدقات خوشدل فرموده و از آنجا بعزم طواف مرقد مطهر حضرت شاه ولایت مصدوقه کریمه انما ولیکم الله متوجه نجف اشرف گشته بدان سعادت عظمی مشرف گردیدند و نذورات و صدقات به ارباب احتیاج رسانیدند. (همان، ۸۰ و ۲۳۸)

شاه عباس دوم هنگام عبور از شهر قم بعد از زیارت بارگاه مطهر حضرت معصومه مانند شاهان دیگر صفویه به تهی‌دستان این شهر کمک‌های فراوانی نمود. مؤلف کتاب «عباسنامه» در این زمینه آورده است:

از درالمومنین مزبور ... اطعام فقرا و مساکین، که ثواب آن بروح مقدس حضرت خاقانی فردوس مکانی رسد، اقسام مطعومات طبخ فرموده در آن روضه مینو نظام، بمضمون صدق مشحون و لحم طیر مما یشتهون، صلاهی عام در دادند و بجهت آنکه این خیر اتم و قاعده احسان اکمل باشد... (قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۰-۲۱)

شاه عباس دوم در سفر دوم دیگر خود به قم توجه به تهی‌دستان را از نظر دور نداشت و در این شهر به اطعام آنان پرداخت: «در ایام توقف مکرر زیارت آستانه رفته مقرر داشتند که سه روز متوالی هر روز پانصد قاب طعام و حلوا و پالوده طبخ نموده در مرقده مطهر نواب خاقان رضوان به مکان فقرا و مستحقین برسانند». (همان، ۲۶۴) وی در زمان حضور در قم، روز اول مهمان میرزا سعید و روز دیگر میهمان میرزا محمد حسین گشته و غذایی از سوی آنان آماده شد و «مبلغی خطیر از سرکار خاصه شریفه بانعام فقرا و مستحقین مقرر گردید». (همان، ۲۶۵) یکی دیگر از اماکن مذهبی که مورد توجه دولتمردان صفویه قرار داشت، خانقاه اردبیل بود. در عهد حکومت صفویان و دوره‌های قبل از آن، مشایخ طریقت بیش از پیش مورد توجه مردم و دستگاه‌های حکومتی قرار گرفتند و با تبلیغات و نقل کرامات، در اذهان و انظار بزرگ شدند. اقدام برخی از فرمانروایان به ساختن خانقاه و توجه به پیران خانقاهی و بخشیدن اموال و تعیین اوقاف، برای هزینه‌های جاری آنها، سازمان خانقاه را به صورت یک مرکز ثروت و کانون جاه و مال در آورد. (ر.ک: عقیلی، ۱۳۶۴: ۳۱۲؛ رجب زاده، ۱۳۷۸: ۱۵۶) علاوه بر این، از سوی افراد اجتماع نیز فتوح و ندور و خیرات به خانقاه‌ها - مخصوصاً خانقاه اردبیل - فرستاده می‌شد. همچنین به حکومت رسیدن خاندان صفوی که خود از بزرگان مسلک تصوف و خانقاه‌ها بودند، و قرار گرفتن مزار جد بزرگ این خاندان، از جمله شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بسیاری از فرزندان و پادشاهان و شاهزادگان صفوی^۴ در این شهر اهمیت و جایگاه این مکان‌ها را دو چندان می‌نمود. به همین سبب شهر اردبیل زیارتگاه سلاطین صفوی و مریدان و معتقدان شیعی مذهب آن سلسله مخصوصاً افراد طوائف قزلباش گردید. پادشاهان صفوی همه ساله چندین بار برای زیارت مزار جد بزرگ خویش بدین شهر می‌رفتند و در آنجا فقیران و

بینوایان را اطعام می‌کردند. (ر.ک: شاردن، ۱۳۴۵: ۸/۷۶؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۲/۳۷۰-۳۷۱؛ الثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۳۱) دلاواله معتقد است، این شهر پس از مرگ شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مخصوصاً از زمان سلطان جنید، جد شاه اسماعیل اول در شمار شهرهای محترم و مقدس شیعیان مانند مکه و نجف و... درآمد و از تمام مزایا و مختصات دینی اینگونه شهرها بهره‌مند گردید. از آن جمله در دوران حکومت صفویه شهر اردبیل دارالامان و بست و پناهگاه مقصران بود. (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴/۱۳۸) بنابراین قرار گرفتن مزار و خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل و وقف‌هایی که برای این مکان از سوی شاهان و بزرگان انجام می‌شد می‌توانست مرهمی بر رفع فقر و تهیدستی در این شهر باشد. پیتر و دلاواله که در سال ۱۰۲۷ ه.ق با شاه عباس به اردبیل سفر کرده بود، آورد است که درست روبروی آشپزخانه محلی است که در آنجا همه روزه در راه خدا و از طریق خیرات به عهده‌کنیری از مستمندان و هر کس که بخواهد غذا می‌دهند. طعامی که داده می‌شود پلو و عده فقیران و اشخاصی که اطعام می‌شوند بسیار زیاد است. زیرا گذشته از کسانی که در این محل غذا می‌خورند، برای جمع دیگری نیز روز و شب خوراک فرستاده می‌شود. (همان، ۲/۳۷۰ - ۳۷۱) اولثاریوس در سفرنامه خود به اطعام فقرا در خانقاه شیخ صفی‌الدین در دوره صفویه اشاره می‌کند و می‌آورد:

از این مطبخ روزانه سه وعده و هر بار بیش از یک هزار نفر از خدمه مزار و فقرا اطعام می‌شوند، ابتدا ساعت شش صبح، سپس ساعت ده صبح و بعد از ظهرها ساعت سه، هزینه دو وعده اول از محل موقوفات شاه صفی (روزانه یکصد و پنجاه عباسی یا سه تومان بایستی به مصرف و هزینه آشپزخانه برسد) ولی وعده سوم از طریق موقوفات سایر پادشاهان تأمین می‌شود. (اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۳۱)

وی معتقد است مقدار خیرات به قدری است که یک نفر قادر به خوردن تمام آن نیست، از این رو معمولاً بخشی از غذا به کسانی که از آمدن به اینجا و دریافت غذا شرم دارند فروخته می‌شود. (همان، ۱۳۲) یوهان ماندلسلو (Johann Albrecht Von Mandelslo) دیپلمات آلمانی که در دوره شاه صفی در ایران حضور داشت، در سفرنامه خود با عنوان «سفرنامه خاوری»، (فلسفی، ۱۳۴۷: ۳/۱۰۸) درباره آشپزخانه خانقاه شیخ صفی می‌نویسد که بیش از سه هزار تن را در آنجا روزی سه بار، صبح و ظهر و عصر، با آش و پلو و گوشت غذا می‌دادند. خرج دو غذای صبح را که در حدود سه تومان بود، از عواید

موقوفات آرامگاه می پرداختند و خرج غذای شب را شاه از موقوفات دیگری که خود تعیین کرده بود می داد. در ساعت تقسیم خوراک فقیران را به بانک طبعی که می گفتند شیخ صدرالدین پسر شیخ صفی الدین از مدینه آورده است، خبر می کردند تا برای گرفتن طعام حاضر شوند (ماندلسلو، ۱۶۷۹: ۴۳۶) علاوه بر این هنگامی که شاهان صفوی در ادریل حضور پیدا می کردند به مردم و تهی دستان اردبیل کمک می نمودند. چنانچه شاه عباس نخستین بار در سال ششم پادشاهی خود یعنی در سال ۱۰۰۱ ه. ق. پس از مصالحه قطعی با دولت عثمانی، به زیارت جد بزرگ خویش رفت. اسکندر بیگ ترکمان منشی مخصوص وی درباره این سفر و کمک وی به تهی دستان در این شهر می نویسد: «... حضرت اعلی شاه جمجاه ستاره سپاه... سکنه آن عتبه علیه را بصلات و صدقات نوازش فرموده...» (ترکمان، ۱۳۷۷: ۴۴۸) البته این بذل و بخششها چندان یک طرفه هم نبود زیرا، گاهی اتفاق می افتاد که این دستگیری بزرگان و فرمانروایان از تهی دستان و مشایخ خانقاهها، مستقیم و غیرمستقیم به صورت یک حالت عاطفی و بزرگ شماری، که در عین حال با تأییدی نیز همراه بود، به خود آنان باز می گشت. از آنجایی که یکی از مکانهایی که در کمک و اطعام فقرا و تهی دستان در عهد صفویان و قبل از آن نقش داشته، خانقاه بوده است، حکومتها سعی می کردند تا آنجا که می توانند به آنها احترام بگذارند و به آنها کمکهای مالی کنند.

۲.۲.۳ بهبود زندگی سادات تهی دست

یکی از اقدامات دولتمردان صفوی در جهت زدودن تهی دستی در جامعه، توجه به بهبود زندگی و وضعیت سادات تهی دست بود. در این دوره با توجه به رسمیت مذهب تشیع، سادات مورد احترام مردم و حکومت قرار گرفتند. برای نمونه شاه عباس اول پس از ساخت مجموعه بناهای اصفهان، همه املاک و ابنیه خاصه خود را که قیمت آنها بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی بود و حاصل درآمد آنها به طور متوسط به هفت هزار تومان می رسید، با تمام خانان، قیصریه و چهار بازار دور میدان نقش جهان و حمامات شهر وقف چهارده معصوم (ع) کرد و تولیت وقف مذکور را مادام العمر به خود و پادشاه جانشین خود اختصاص داد، به شرطی که ضوابط مندرج در وقفنامه عمل نمایند و ثواب آن را به ارواح مقدسه حضرت چهارده معصوم (ع) هدیه کرد. طبق این وقف نامه نصف حاصل اجاره موقوفات مذکور برای ارتزاق سادات عالی درجات حسینی اختصاص داده شد که ساکن شهر مدینه و شیعه بوده و هیچ موجب، سیورغال و حقوقی نداشته باشند. (شاملو،

۱۳۷۱: ۱/ ۱۸۹؛ سپنتا، ۱۳۴۶: ۶۶-۶۷) در بخش دیگری از این وقف نامه، درآمد حاصل از بخشی دیگر از موقوفات که شامل خانه‌ها و مستغلات و املاک و همانند آنها در اصفهان و جاهای دیگر بود، برای پرداخت به سادات بنی فاطمه و «ارتزاق و مدد معاش فقرا و مساکین اهل ایمان و مستحقین که تشیع ایشان معلوم و ظاهر باشد»، اختصاص یافته بود. (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۶) این وقف‌نامه در تاریخ ۱۳۰۱۳ ه.ق توسط شیخ بهایی تحریر شد. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۲۵۲-۱۲۴۹؛ صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۲۳) در وقف نامه دیگری که از شاه عباس اول موجود است، اشاره‌ای به مقداری از موارد مصرف آن به سادات فقیر و تهی‌دستان دارد: «... املاک و مستغلات مذکوره با جمیع توابع و لواحق به طریقی که وقف شده کل آن وقف باشد و بر نهجی که آن نصف صرف سادات و فقر او مساکین می‌شد». (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۶)

۴. انگیزه‌های سیاست‌های حمایتی حکومت در قبال تهی‌دستان

۱.۴ زدودن فقر در جامعه

یکی از انگیزه‌های مهم سیاست‌های حمایتی حکومت در قبال تهی‌دستان که در قالب‌های گوناگون از جمله وقف صورت می‌گرفت، فقرزدایی از جامعه است. چنانچه با گسترش فرهنگ وقف می‌توان میزان فقر و محرومیت را در جامعه کاهش داد؛ زیرا وقف یکی از راه‌های توزیع مجدد درآمد است و با توزیع مجدد درآمد، سرمایه‌های جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهره‌مندی همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه‌های تکامل در ابعاد فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌شود. طبق موازین دینی به‌کمک وقف، معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای به خانواده‌های دیگر و از طبقه‌ای به طبقات دیگر انتقال می‌یابد؛ به این صورت که اولاً بخشی از ثروت ثروتمندان در قالب وقف از ملکیت خصوصی آنها خارج شده و به ملکیت عمومی می‌پیوندد و عدّه بیشتری از منافع آن بهره‌مند می‌شوند؛ در نتیجه، فاصله طبقاتی کاهش می‌یابد و ثانیاً طبق مفاد وقف، اصل املاک موقوفه به واحدهای کوچک‌تر تجزیه نمی‌شود تا از منافع آنها کاسته شود؛ بلکه فقط از منافع آنها بهره‌برداری شده و نوعی تعدیل و تقسیم ثروت پیش می‌آید. نتیجه طبیعی این امر را می‌توان در سه فرآیند: تعدیل ثروت، توازن اجتماعی و همکاری جامعه ذکر کرد. بنابراین مطالعه اجمالی تاریخ وقف این حقیقت را روشن می‌کند که یکی از انگیزه‌های واقفان برای

مبادرت به وقف، نابودی فقر و محرومیت از جامعه مسلمین بوده است. این سیاست در دوره صفوی نیز دنبال شد و گروه واقفان همواره بخشی از اموال خود را برای زدودن فقر و ایجاد برابری اقتصادی در جامعه انجام می دادند. به طوری که سفیر اسپانیا دن گارسیا فیگوئروا در سفر به ایران در مورد امامزاده‌ای صحبت می کند که از درآمد وقفی آن به رهگذران فقیر کمک می شد، وی در این باره آورد:

امامزاده دهکده‌ای است با تعداد کمی خانه که همه آنها در محوطه کاروانسرای که دیواری محکم داشت، ساخته شده بودند. در این کاروانسرا مسجدی بزرگ و مجلل نیز وجود داشت که از محل درآمد آن طبق یک سنت قدیمی، راهگذران فقیر سه روز متوالی اطعام می شدند. ایرانیان و اعراب برای این مسجد یا مقبره احترام زیادی قائلند و به پاس احترام شخص مقدسی که در آن به خاک سپرده شده است، هدایای بسیار و جوه سرشار نیاز آن می کنند و یتیمان صدقاتی نیز از آن دریافت می دارند. (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۹۳)

علاوه بر اطعام تهی‌دستان یکی دیگر از مصارف موقوفات در راستای زدودن فقر و کمک به تهی‌دستان جامعه، در این دوره ساخت دارالشفاء و آموزش کودکان تهی‌دست بود. همان طور که پیشتر اشاره شده در دوره صفوی در راستای آموزش و حمایت از تهی‌دستان ایتم، مدارس برای تعلیم و تربیت رایگان آنان ایجاد شد.

۲.۴ جلوگیری از خطر مصادره اموال

یکی دیگر از انگیزه‌های صاحبان قدرت برای حمایت از تهی‌دستان، جلوگیری از خطر مصادره اموال آنان توسط دولت و بهره‌مندی بی‌دغدغه از عایدات ملک خود بود. (ر.ک: شاردن، ۱۳۴۵: ۸/ ۲۳۵) برای نمونه به خواجگان حرم شاهی می‌توان اشاره کرد. از آنجایی که آنها صاحب فرزند نبودند، عمده ثروت خود را وقف می‌کردند که در وقف‌نامه آنان حتی با تعیین مقدار عمده‌ای از درآمد املاک به عنوان حق‌التولیه خود، عملاً چیزی برای وقف و امور خیر باقی نمی‌گذاشتند. مانند نظر آقاییکی از خواجگان دوره شاه سلطان حسین صفوی که نه عشر حق‌التولیه برای خود و باقی را وقف تهی‌دستان نموده بود. (جعفریان، ۱۳۷۷: ۲/ ۸۹۵) بنابراین در مجموع می‌توان گفت انگیزه‌های ظاهری این واقفان کسب ثواب اخروی و ادای نذر بوده است، ولی هدف اصلی نجات اموال از مصادره و

دست‌اندازی دولت مردان و حفظ آن از طریق وقف بر اولاد بوده است و اگر مبالغی را به انجام کارهای خیر اختصاص داده‌اند صرفاً برای ظاهرسازی و حفظ مقام و مرتبه بوده است.

۳.۴ نجات از بیماری

کمک به تهی‌دستان در قالب صدقه و وقف که معمولاً با اهدافی چون رهایی خود یا فرزندان از بستر بیماری انجام می‌شد، یکی دیگر از اقدامات حکومت صفوی در تعامل با تهی‌دستان جامعه دوره صفوی بود. با توجه به اینکه کمک به تهی‌دستان در قالب صدقه با هدف شفای مریضی مورد تأکید قرآن کریم و روایات ائمه معصومین قرار گرفته است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲/ ۴۲۰، ۴۳۳) دولت شیعی مذهب صفوی نیز برای بهره‌گیری از ثمره صدقه در قالب شفای مریضان همواره با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم به تهی‌دستان کمک می‌کرد. چنانچه در سال ۹۱۴ ه. ق هنگامی شاه اسماعیل اول در شهر ری حضور داشت، دچار مریضی شده و پزشک شاه، مولانا علاء الدین محمد به معالجه وی پرداخت و حتی برای بهبودی سریع و شکرگزاری، امرا و ارکان دولت و وزرا به تهی‌دستان و مستحقان آن شهر صدقه و کمک نمودند. مولف حبیب السیر در زمینه می‌نویسد: «امرا و ارکان دولت و وزرا و اعیان حضرت صلوات و صدقات بارباب استحقاق دادند... و در روز دهم از حدوث آن حالت مسألت فقرا و مساکین عز اجابت یافت...» (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/ ۵۵۹) قاضی احمد تتوی از مورخان دوره شاه طهماسب صفوی آورده است که در سال ۹۸۰ ه. ق شاه طهماسب را مریضی پیش آمد و بعد از چهل روز بهبودی حاصل گردید و به پاس آن به تهی‌دستان صدقات بسیار دادند. (تتوی، ۱۳۷۸: ۷۱۳) افوشته‌ای نطنزی نیز یکی دیگر از مورخان این دوره آورده است که بعد از بازگشت شاه عباس از خراسان به سمت تهران، در لشکر وی بیماری شیوع پیدا کرد. به طوری که شاه عباس نیز دچار بیماری گردید و پزشکان حاضر در لشکر به درمان وی پرداختند. در این زمان درباریان و بزرگان برای شفای شاه عباس «تا مبلغ یک‌هزار و پانصد تومان از خزانه عامره و سرکار ارکان دولت قاهره برسم تصدق و انفاق باصحاب احتیاج و استحقاق رسانیدند». (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۳۲۳) همچنین زمانی که شاه عباس به چوگان بازی مشغول بود، در این اثنا اسب او به زمین خورده و پای وی مجروح شد؛ چنانکه تا مدت یک ماه قادر به سوار شدن بر اسب

نبود. اما بعد از مدتی جراحات شاه عباس بهبود یافت و امرا و درباریان برای شکرگزاری بهبودی شاه عباس...» از خزانه عامره و سرکار ارکان دولت قاهره تا موازی یک هزار و پانصد تومان به مستحقان، از سادات و علما و یتامی و فقرا تصدق نمودند». (همان، ۳۶۴-۳۶۵) علاوه بر این، مطالعه وقف نامه مادر شاه سلیمان که به صراحت دلیل وقف خود را رهایی فرزند از بستر بیماری ذکر می‌کند، نمونه بارزی از این گونه موقوفات و نذورات است و همچنین اگر گفته نشود تنها وقف‌نامه‌ای است که انگیزه واقعی واقف را بی‌پرده بیان کرده است، از جمله موارد معدود چنین وقف‌نامه‌هایی است. این وقف و نذر که از سر نیاز به شفای فرزند نیت شده است، صرفاً به امکان مقدسه تعلق دارد و پس از رسیدن نذر کننده به حاجت خویش تدوین و تنظیم شده است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

۴.۴ کسب مشروعیت سیاسی و مذهبی

شاید بتوان یکی از دلایل اصلی سیاست‌های حمایتی سه گروه نهاد قدرت (شاه، درباریان و دیوانسالاران) را ترس و وحشتی دانست که با توجه به پایگاه اجتماعی آنان می‌توانست جایگاه و منزلت آنان را به عنوان فرد مسلمان و یا حاکم اسلامی در کمک به تهی‌دستان مشروعیت ببخشد. در رأس این سلسله مراتب شاه قرار داشت که از افکار عمومی وحشت داشت و سعی می‌کرد خود را به عنوان فردی موجه و متدین نشان دهد. زیرا آنها کمک به تهی‌دستان را عملی شرعی و مورد پسند می‌شمردند. به این دلیل در وقف قسمتی از اموال خود، کمک به تهی‌دستان و رفع فقر از جامعه را مدنظر داشتند. کمپفر در این خصوص می‌نویسد: «شاه به پیروی از نیاکان خود هم پروای صلاح مردم و جامعه را دارد و هم می‌خواهد پس از خود نام نیکی به یادگار بگذارد». (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۹) بنابراین شاهان صفوی برای کسب مشروعیت سیاسی و مذهبی و ارائه چهره‌ای موجه از خود نزد مردم، سعی می‌کردند اموال زیادی را وقف کنند که یکی از کارکردهای موقوفات آنان حمایت از تهی‌دستان بود. (بیاتی، قدیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۱۲۱) چنانچه به نقل از کتاب «خلاصه التواریخ» قاضی احمد قمی، در زمان شاه طهماسب حدود ده هزار تومان از سیورغالات و درآمد موقوفات و نذورات شهرهای مقدس مانند مشهد، اردبیل و قم به تهی‌دستان آن مناطق داده می‌شد. (قمی، ۱۳۵۹: ۱/ ۵۹۸)

۵.۴. تظاهر به کسب رضای خدا و ثواب اخروی

دستگیری از تهی‌دستان و یتیمان و به ویژه اطعام آنان برای کسب رضا خداوند و ثواب اخروی از مواردی است که بسیاری از خیران به مناسبت‌های مختلف بدان پرداخته‌اند. اطعام گاه در منازل شخصی خیرین یا در بناهای احداثی آنان مانند مدرسه و مسجد و گاه در اماکنی چون حرم امامان یا امامزادگان یا خانقاه‌ها صورت می‌گرفت. برخی از حرم‌ها مانند حرم امام رضا(ع) و خانقاه‌ها مانند خانقاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، خود دارای مطبخ و سفره‌خانه برای اطعام تهی‌دستان بودند. (ر.ک: دلاواله، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۷۰-۳۷۱؛ شاردن، ۱۳۴۵: ۸/ ۷۶؛ الثاریوس، ۱۳۸۵: ۱۳۱) از این روی خیرینی که میل به اطعام زائران چنین اماکنی داشتند، بخشی از درآمد موقوفه خود را بر سفره‌خانه آن مکان وقف می‌کردند. (ساکماق، س.ش ۳۴۲۱۵) چنانچه در وقف‌نامه خواجه مظفر بتکچی‌انگیزه واقف از وقف املاک خود، کسب ثواب اخروی عنوان شده است. (ستوده، ۱۳۷۷: ۲۶۸) در میان اسناد آستان قدس شش مورد حد فاصل‌های سالهای ۹۳۱ تا ۱۱۲۵ ه.ق بر سفره‌خانه حرم وقف است که برخی شرایط خاصی برای وقف خود قائل شده‌اند. که اطعام تهی‌دستان و درمان بیماران توسط عتیق علی در سال ۹۳۱ ه.ق اشاره شد. (ر.ک: خانی زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۵۱؛ طلایی، ۱۳۹۷: ۱۳۵-۱۳۶) همچنین شاه عباس و میرعلی‌الدین محمد کاشانی و آقا کافور و قمرالنساء خانم به طور کلی بخشی از کمک‌های خود را صرف مطبخی برای اطعام تهی‌دستان کرده‌اند. (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۹) بنابراین در تمامی این کمک‌ها تظاهر به کسب رضای خداوند و ثواب اخروی مطرح شده است.

۵. نتیجه‌گیری

تهی‌دستان یا بی‌چیزان واقعی بودند در جامعه عصر صفوی که دولت صفوی و نهادهای قدرت نمی‌توانستند نسبت به این جمعیت بی‌تفاوت و بی‌اعتنا باشند و با توجه به مطالعه و بررسی منابع دوره صفوی در رابطه به چگونگی تعامل حکومت صفوی با تهی‌دستان، به چگونگی و چرایی رویکرد حکومت صفوی با تهی‌دستان در این دوره پی برده شده که معمولاً سیاست دولت صفوی در قبال تهی‌دستان جامعه ایران بیشتر در راستای کمک و دستگیری از این طبقه و در راستای عواملی همچون کسب مشروعیت و نشان دادن خود به عنوان چهره‌ای موجه و خیرخواه به عنوان پادشاه مسلمان، جلب دعای خیر تهی‌دستان

جهت پیروزی در جنگ‌ها و ... جلب حمایت گروه مذکور جهت جلوگیری از شورش آنان و از همه مهم‌تر، تظاهر به عمل به آموزه‌های دینی و اعمال انسان دوستانه و محبت آمیز به منظور کسب سعادت آخروی و کسب رضای خداوند بوده است. نتیجه دیگری که از داده‌ها مرتبط با پژوهش حاصل شد، این بود که معمولاً تعامل حکومت صفوی با تهی‌دستان بیشتر در امکان و شهرهای مذهبی و با روی دادن حوادث مختلفی چون بیماری شاهان، بعد از فوت یا تولد پادشاهان، شاهزادگان، بزرگان و امرای درباری، پیروزی در جنگ و ... صورت می‌گرفت. بنابراین با توجه با مطالب فوق ذکر، باید اشاره کرده که نهاد قدرت در دوره صفوی با کمک به مراکز تأثیرگذار چون اماکن مذهبی و تشویق و حمایت از تهی‌دستان موجب رفاه اجتماعی آنان گردید. علاوه بر این، دولت با تأسیس بناهای عام المنفعه، مانند دارالشفاء و مدارس و غیره که غالباً برای تأمین مالی مصارف مورد نظر وقف ایجاد می‌شد، در ابعاد مختلف اجتماعی از جمله با تأمین نیازهای تهیدست جامعه، کمک به بهداشت آنان، تهیه و تأمین بسترهای رشد علمی و فرهنگی تهی‌دستان با تأسیس مدارس تأثیر مهمی در بهبود وضعیت تهی‌دستان در این دوره داشت. بر این اساس، می‌توان گفت اقدامات حکومت صفوی از یکسو باعث زدودن فقر در جامعه عصر صفوی شده و از سوی دیگر موجب تشویق و حمایت بسیاری از گروه‌های دیگر در جامعه نسبت به تهی‌دستان می‌شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از طرح پسا دکتری صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور با عنوان «نهاد قدرت و تعامل با تهی‌دستان جامعه ایران در دوره صفویان» است.
۲. به یک معنا فرودستی در مطالعات فرودستان به وضعیت مغلوبی در برابر غالب‌بودگی اشاره دارد، چنانچه رانجیت گوها (Ranjit Guha) در تعریف فرودستان در برابر نخبگان از مفهوم Subordination در برابر Dominant استفاده می‌کند که متضمن مفهوم دوگانه‌ی فرمانبردار و فرمانروا است. به یک معنا فرودستی به وضعیت «سلطه‌پذیری» در برابر «سلطه‌گری» که با قدرت شناخته می‌شود، اطلاق می‌گردد. (Guha, 1993) اصطلاح «فرودست» در مطالعات فرودستان، اشاره به مارکسیست ایتالیایی آنتونیو گرامشی (۱۸۹۱-۱۹۳۷م) دارد. (Young, 1990) از نظر وی فرودستان اساساً به هر شخص یا گروه در رنج در یک جامعه‌ای خاص که تحت سلطه هژمونیک طبقه نخبگان حاکم است، اطلاق می‌شود که حقوق اساسی مشارکت آنان به عنوان

بررسی سیاست‌های حمایتی دولت صفوی ... (هادی بیاتی و عباس قدیمی قیداری) ۱۰۹

افراد فعال همان ملت در ساختن تاریخ و فرهنگ محلی‌شان از سوی قدرت انکار می‌شود. (الوندی، ۱۳۹۷: ۸-۹) بنابراین آن چیزی از دیدگاه جامعه‌شناسانی چون گرامشی از فرودستان مد نظر است، انسانی است به حاشیه رانده شده و نه لزوماً تهیدست است؛ بلکه انسان فرودست ناتوان از اعمال قدرت در جامعه. با چنین تعریفی گروه‌هایی از اقلیت‌های مذهبی یا قومی و زنان نیز در بسیاری از جوامع در حاشیه قرار می‌گیرند و از رتبه یا جایگاه پایین‌تری برخوردارند، از جمله گروه‌های فرودستان به شمار می‌آیند.

۳. موقوفات عتیق علی منشی باشی در سال ۹۳۱ ه. ق که وقف بر اطعام تهی‌دستان و زوار و دارالشفا حرم مطهر نموده از این قرار است:

حمام آقچه، مزرعه کنه بیست و تبادکان، مزرعه سکونر تبادکان، مزرعه کاریز تبادکان، عشر مزرعه رادکان، مزرعه منزل آباد، مزرعه چاه خاصه میان ولایت، مزرعه چاه نوبلک تبادکان، مزرعه شاطغای درزآب، سه زوج از مزرعه کاهو، زوج و فرد از مزرعه جایاب، طاحونه [آسیاب] کلوخ واقع در طرق. (سوزنچی کاشانی، ۱۳۸۱: ۷۳)

۴. مانند سلطان صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین، و سلطان شیخ ابراهیم نوه او و سلطان حیدر و پسرش شاه اسماعیل اول و حمزه میرزا برادر بزرگ شاه عباس اول و بسیاری دیگر از شاهزادگان و نزدیکان خاندان صفوی.

۵. خواجه مظفر بن فخرالدین بتکچی در سال ۹۲۰ ه. ق اموال خود را وقف مزارات معصومین و زائران آنها کرد. وی در وقف‌نامه قید کرده بود که ثلث محصولات موقوفات صرف سادات و فقرا ساکن استرآباد شود. (اکرمی، ۱۳۸۹: ۶۲)

کتاب‌نامه

- ابن بزاز. توکل بن اسماعیل (۱۳۷۷). *صفوه الصفا*. تهران: زریاب.
- احمدی، زهت (۱۳۸۵). پاییز و زمستان. «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی». مجله پژوهش‌های تاریخی. ش ۱۹.
- احمدی، زهت (۱۳۹۰). «در باب اوقاف صفوی». تهران: کتابخانه. موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اداک، صابر، اسدی، سهیلا (۱۳۹۲). پاییز. «تأسیس مدارس و گسترش تشیع در عصر صفوی». فصلنامه مسکویه. س ۸، ش ۲۶.
- افوشته‌ای نطنزی. محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). *نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه*. به اهتمام دکتر احسان اشراقی. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.

۱۱۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

- اکرمی. اصغر (۱۳۸۹). بررسی اراضی وقفی در دوره صفویه. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور.
- اولثاریوس. آدام (۱۳۸۵). سفرنامه. ترجمه حسین کردبچه. تهران: هیرمند.
- بسطامی، نوروز علی (۱۳۱۵ق). فردوس التواریخ. بی جا: چاپ سنگی.
- بیاتی، هادی، قدیمی، عباس (۱۳۹۹ پاییز). «تأثیر وقف بر زندگی تهی‌دستان جامعه ایران دوره صفوی». فصلنامه پژوهش نامه تاریخ اسلام. س ۱۰، ش ۳۹.
- توی. قاضی احمد (۱۳۷۸). آصف خان قزوینی. تاریخ الفی. تهران: نشر فکر روز.
- ترکمان. اسکندر بیگ (۱۳۷۷). تاریخ عالم آرای عباسی. ج ۲. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: نشر دنیای کتاب.
- ترکمان. اسکندر بیگ. مورخ. محمد یوسف (۱۳۱۷). ذیل تاریخ عالم آرای عباسی. به تصحیح سهیلی خوانساری. تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- تواناییان فرد، حسن (۱۳۶۱). تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام. تهران: بی نا.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). تاریخ ایران اسلامی. ج ۴. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جنابادی، میرزا بیگ بن حسن (۱۳۷۸). روضه الصفویه. به کوشش غلامرضا مجد طباطبایی. تهران: بنیاد موقوفات ایرج افشار.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۷). توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا. ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی (۱۳۶۶). تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی. تهران: نشر علمی.
- خانی‌زاده، مهدی (۱۳۹۱). «معرفی یک از موقوفات آستان قدس: موقوفات عتیقی». پژوهشنامه مطالعات آرشیوی، ش ۱.
- خواجگی اصفهانی، محمد بن معصوم (۱۳۶۸). خلاصه السیر. تهران: علمی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام‌الدین‌الحسینی (۱۳۶۲). حبیب السیر. به اهتمام محمد دبیر سیاقی. ج ۴. تبریز: کتابفروشی خیام.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۷). «دستور الملوک میرزا رفیعا». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. س ۱۶، ش ۱ و ۲.
- دلاواله، پترو (۱۳۷۰). سفرنامه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دلاوری، رضا (۱۳۷۸). فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل. تهران: انتشارات دلاوری.

- رجب زاده، هاشم (۱۳۷۸). *خواججه رشیدالدین فضل‌الله*. تهران: طرح نو.
- رزمازی، کرامپتون (۱۳۹۶). *طبقه و قشربندی اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق). اسناد شماره ۳۳۵۲۲.
- سپینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*. اصفهان: نشر اداره کل اوقاف منطقه اصفهان.
- ستوده، منوچهر (۱۳۷۷). *از آستارا تا آسترآباد*. ج ۶. تهران: نشر انجمن آثار ملی.
- سوزنچی کاشانی، علی (۱۳۸۱). *مهمانسرای رضوی از روزگار صفویه تا پایان دوره قاجاریه*. دفتر اسناد. ج ۱. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد قدس رضوی.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سفرنامه*. ترجمه محمد عباسی. ج ۸ و ۵. تهران: امیر کبیر.
- شاملو، ولی قلیخان (۱۳۷۱). *قصص الخاقانی*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران*. تهران: رسا.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه موسوی همدانی. ج ۲. قم: جامعه مدرسین.
- طلایی، زهرا (۱۳۹۷ بهار). «سیاست مذهب‌ی صفویان و پیامد آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا(ع)». پژوهش‌های تاریخی، س ۵۴، س ۱۰، ش ۱.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴). *آثار الوزرا*. تصحیح محدث ارموی. تهران: اطلاعات.
- علی بابایی، غلام رضا. آقایی. بهمین (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر ویس.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷). *زندگانی شاه عباس اول*. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- فهرست و خلاصه وقف‌نامه‌های آستان قدس رضوی. کتابخانه و موزه ملی ملک. نسخه‌های خطی شماره ۱۱۳۷. ۶۱۷۱.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- قزوینی، محمدطاهر وحید (۱۳۲۹). *عباسنامه*. به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داودی.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). *خلاصه التواریخ*. به تصحیح دکتر احسان اشراقی. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه*. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- الگود، سیریل (۱۳۵۷). *طب در دوره صفویه*. ترجمه محسن جاویدان. تهران: دانشگاه تهران.
- ماندلسلو. یوهان آلبرشت فون (۱۶۷۹). *سفرنامه*. ج ۱. پاریس: بی نا.
- مرعشی، میرتیمور (۱۳۶۴). *تاریخ خاندان مرعشی مازندران*. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: اطلاعات.

موسوی فندرسکی، ابوطالب بن میرزا بیک (۱۳۸۸). *تحفه العالم در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین*. تهران: کتابخانه. موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
مولوی، عبدالحمید (۱۳۵۳). *پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی*. ۷ ج. مشهد: (نسخه تایپی ثبت شده در اداره مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی با شماره عمومی از شماره: ۵۸۵۰۴ تا ۵۸۵۱۰).

ناصر الشریعه. محمدحسین (۱۳۸۳). *تاریخ قم*. تهران: رهنون.
الوندی، رضا (۱۳۹۷ زمستان). «بازنگری در مفهوم سابلترن (فروستان) از گرامشی تا اسپیوک: تحولات تاریخی و کاربردهای جدید». فصلنامه تاریخ نو، س ۸، ش ۲۵.
هینتس، والتر (۱۳۷۱). *شاه اسماعیل دوم صفوی*. ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران: علمی و فرهنگی.

Burchardt, T, Le Grand, J. And Piachaud, D, (1999), *Social Exclusion in Britain 1991-1995*, Social Policy and Administration.

Guha, Ranajit, (1993), *Subaltern Studies Reader, 1986-1995*, University of Minnesota Press.

Laderchi, Saith & Stewart, (2003), *Does It Matter That We Don't Agree on The Definition of Poverty? A Comparison for Approach*, Qe, H. Working Paper Series.

Sen, Amartya, (1982), *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*, Oxford New York: Clarendon Press Oxford University Press.

Spicker, Paul, (1999), *Definitions of Poverty: Eleven Clusters of Meanin*, In D. Gordon and P. Spicker, *The International Glossary of Poerty*, London: Zed Books.

Young, Robert, (1990), *White Mythologies*, Routledge.